



پنجره، عناصر صیل منظر

# زیبایی‌شناسی پنجره در نگارگری دوره صفوی

چکیده | نگارگری از زمره هنرهای سنتی است که زبان و بیان آن از ویژگی‌های منحصر به خود تبعیت می‌کند. بسیاری از پژوهشگران از یک سو با دیدگاه‌های مختلف که اغلب دنباله‌رو رویکردهای سنت‌گرایی و عرفانی هستند، به مطالعه فراواقعیت‌های آن پرداخته و از سوی دیگر برخی محققان به دلیل فقدان آثار به جامانده از دوره‌های پیشین در حوزه‌های مختلف از جمله معماری، باغ‌سازی، شهرسازی، هنر و فرهنگ به آن روی آورده‌اند و از خلال خوانش آنها به ویژگی‌های سبکی این حوزه‌ها در هر دوره بی می‌برند. به گواه ادبیات و تاریخ معماری ایران، پنجره به عنوان یک عنصر عملکردی از همان ابتدای تاریخ سکونت در معماری ایران باستان و دوران اسلامی حضوری پررنگ داشته، به طوری که نقش نوررسانی و تهویه هوای داخل ابنیه را عهده‌دار بوده است. در دوران صفوی پنجره به عنوان گونه‌ای مشبک و پرده‌دار مطرح می‌شود که امکان دیدن، بدون دیده شدن را فراهم می‌سازد. این گونه جدید به افراد به ویژه بانوان دوره صفوی اجازه می‌داد به رغم منع حضور مستقیم در مراسم، جشن‌ها و دیگر رویدادها، امکان مشارکت و مشاهده بدون خدشه دار شدن خلوت و آسایش‌شان را داشته باشند که به خوبی با اصل محرمیت فرهنگ ایرانی اسلامی نیز مطابقت داشت.

با مطالعه نگاره‌های دوره صفوی به عنوان نقطه عطف نگارگری ایران، به نظر می‌رسد پنجره از یک عنصر کالبدی صرف که تنها وظیفه نوررسانی را بر عهده دارد فراتر رفته و به واسطه برقراری تعامل انسان با محیط تبدیل به عنصری منظرین می‌شود؛ به طوری که نگارگر هوشمندانه از پنجره برای جای‌گذاری شخصیت‌ها و تعامل با فضای درون و بیرون بهره می‌گیرد. این مقاله با پذیرش فرض منظرین بودن عنصر پنجره ادعا می‌کند زیبایی‌شناسی آن در نگاره‌های دوره صفوی همچون دیگر پدیده‌های منظرین شهری از سه مؤلفه عملکردی، هویتی و زیبایی به طور هم‌زمان تبعیت می‌کند و می‌توان گفت زبان و بیان زیبایی‌شناسی پنجره در نگارگری دوران صفوی، زبان و بیانی منظرین است.

واژگان کلیدی | پنجره، نگارگری دوره صفوی، منظر، عملکرد، هویت، زیبایی.



فاطمه کاتب  
دکتری معماری، عضو  
هیئت علمی گروه  
پژوهش هنر، دانشگاه  
الزهر، تهران



پدیده عادلوند  
پژوهشگر دکتری پژوهش  
هنر، دانشگاه الزهر،  
عضو هیئت علمی مرکز  
پژوهشی نظر، تهران

padideh\_ladelvand@yahoo.com

تصویر ۱. باخبر شدن زنان از اتفاقات بیرونی بدون آنکه نگاه دیگران بر آنها بیفتد، ریشه در اعتقادات ایرانی، اسلامی دارد. نگاره مسنی شبانه. حدود ۹۷۸ ه. ق. مجموعه خصوصی. مأخذ: کورکیان و سیکر، ۱۳۷۷: ۱۴۰.

Pic1. Awareness of women from external events as they happen without letting others look at them, which is rooted in the beliefs of Iranian-Islamic believes. The Painting of drunkenness at night. Around 978 AD. Private collection. Source: Kurkyan and Siker, 140:1998.



**مقدمه | پنجره به عنوان یک عنصر معماری از دیرباز** در تاریخ ایران جایگاه ویژه‌ای داشته است. هرچند نمونه‌های آن در دسترس نیست اما می‌توان به قدمت حضورش در زبان و ادبیات فارسی استناد کرد؛ واژه «روزن» که قدیمی‌تر از پنجره است، در اوستا به شکل «رئوچنه» آمده و در زبان پهلوی «روچن» به معنای هر سوراخ، شکاف و منفذی است که در وسط دیوار باشد و شعاع آفتاب از راه آن درون خانه درآید (برگرفته از سایت لغت‌نامه دهخدا). در مقابل، واژه پنجره که از سانسکریت (به معنای قفس) وارد زبان فارسی می‌شود، به نقل از

می‌داند که هرلته آن غالباً روی یک پاشنه و یک میله چوبی در بالا و پایین می‌چرخید. علاوه بر این، در پنجره نیز گونه‌ای بوده که به صورت قدی در اتاق‌های اصلی بناها کاربرد داشته است تا به واسطه آن ساکنین بتوانند هنگامی که روی زمین نشسته‌اند، فضای بیرون را نیز نظاره کنند (سلطان‌زاده به نقل از همان).

یادآور می‌شود در فرهنگ اصطلاحات معماری برای عناصری که به عنوان نورگیرها استفاده می‌شوند نام‌های مختلفی وجود دارد. این تنوع واژگان از اهمیت جایگاه آن نزد ایرانیان حکایت دارد: روزن، شباک، در و پنجره مشبک، جامخانه، هورنو، ارسی، روشندان، فریز و خون، گلجام، پالکانه، فنزر، پانچنگ و تهرانی. اما گونه‌ای که در این مقاله مورد توجه قرار گرفته پنجره‌ای بوده که عملکرد آن دووجهی است؛ وسیله‌ای برای تأمین روشنایی از یک سو و از سوی دیگر عنصر واسطی که فضای بیرون و درون را برای انسان نظاره‌گر به تعامل وامی‌دارد.

با توجه به این مقدمه نوشتار حاضر قصد دارد به جایگاه زیباشناسانه پنجره در نگارگری دوره صفوی بپردازد؛ دورانی که پژوهشگران داخلی و خارجی براوج نگارگری و معماری آن صحنه می‌گذارند. همچنین در ادامه از خلال بررسی‌ها به این پرسش پاسخ دهد: آیا در نگارگری صفوی، تنها وجه عملکردی مد نظر بوده یا وجوه دیگری نیز بر زیبایی‌شناسی آن مترتب است؟

**فرضیه | زیبایی‌شناسی پنجره در سنت نگارگری دوره صفوی، زیبایی‌شناسی منظرین است که توأمان از سه مؤلفه زیبایی، هویت و کارکرد تبعیت می‌کند.**

### پنجره، عنصر منظرین در معماری و نگارگری صفوی

پنجره در تاریخ معماری دوره صفوی کارکردی دوگانه دارد؛ از یک سو به تأمین روشنایی بنا می‌پردازد و از سوی دیگر

فرهنگ معین ساختاری مشبک در دیوار اتاق، ساختمان یا وسیله نقلیه برای وارد شدن روشنایی، هوا یا هر دو و دیده شدن فضای بیرون یا درون است و درجه‌ای است در دیوار که به بیرون نگرند (لغت‌نامه اسدی، نسخه نخجوانی به نقل از همان). نکته جالب توجه در معنای این دو واژه آن است که به کارکرد آنها برمی‌گردد؛ به طوری که از روزن تنها برای تأمین روشنایی و تهویه هوا نام برده می‌شود، در حالی که پنجره عنصری مشبک در معماری است که علاوه بر کارکردهای برشمرده برای روزن، انسان را به نظاره کردن نیز دعوت می‌کند.

در «رساله بندهش» نیز از شهری محصور به نام «ورجمکرد» یاد می‌شود که در توصیفات آن به پنجره‌های روشنی‌بخشی تأکید شده که از خود روشنایی درونی تراوش می‌کنند (کربن به نقل از فرخ پیام و آیت‌اللهی، ۱۳۸۷: ۷). «مری بیوس» در تحقیقی که درخصوص این شهر اسطوره‌ای انجام داده است، ۱۱ حکم را از خصوصیات کالبدی آن استخراج می‌کند. در یکی از احکام به خانه‌هایی با پنجره‌هایی در هر چهار طرف اشاره می‌شود که به واسطه آن می‌توان چشم‌انداز اطراف را نظاره کرد (برگرفته از دانشنامه رشد).

از ایران باستان پنجره‌ای باقی نمانده است تا بتوان چگونگی آن را دریافت، اما براساس اسناد تاریخی بسیاری از محققان همچون استاد «پیرنیا» معتقدند چوب‌های سختی که به فرمان شاهان هخامنشی از راه‌های دور آورده می‌شد به احتمال قوی به مصرف درو پنجره می‌رسید و بازر، سیم، عاج و مصالح تزئینی دیگر زینت داده می‌شد که قابل توجه است (پیرنیا به نقل از فرهنگی، بی تا: ۲۸۲۹). در ایران پس از اسلام نیز با تأسی از معماری ایرانی، پنجره‌های مشبک در دیوار، سقف و گنبدها به کار می‌رود. «سلطان‌زاده» در تحقیق خود درخصوص انواع پنجره‌های ایرانی معمول‌ترین نوع آن را در معماری ایران، پنجره‌های دولته (دولنگه) یا چندلته





تصویر ۲. حضور پرده که مختص معماری صفوی بوده مورد توجه نگارگر این دوران نیز قرار می‌گیرد و به واسطه آن محرمیت فضایی برای شخصیت زن خلق می‌کند. شیدا زندگی شیخ صنعان. مجلسی از نسخه مصور مثنوی لسان‌الطیر میرعلیشیر نوایی، منظومه هاتفی، حدود ۹۶۳ ه. ق.، پاریس، کتابخانه ملی. مأخذ: کورکیان و سیکر، ۱۳۷۷: ۱۳۹.

Pic2. The presence of curtain that is iconic to the Safavid architecture and is also noticed by the artist painter of this era that creates privacy for woman personality. The fascination of Sheikh Sanan, Chamber of Illustrious edition of Masnavi-e-Lasan Alteir by Mir Alishir Navai, Manzomeh Hatefi, Around 963 AD. Paris National Library. Source: Kurkyan and Siker, 1998:139.

است که استفاده از پرده‌های ضخیم برای جلوگیری و تنظیم نور خورشید برای ورود به ساختمان از دوره صفویه معمول می‌شود که در جلو ایوان‌ها، پنجره‌ها و ارسلی‌ها نصب می‌شد (نعمت‌گرگانی، ۱۳۸۱: ۳۱۸). از سوی دیگر قدر مسلم حضور پنجره را در نگاره‌هایی شاهد هستیم که به فضاهای معماری اختصاص دارند. با بررسی نگاره‌ها می‌توان به اهمیت آنها از منظر نگارگر دوره صفوی نیز پی برد. چنانکه نگارگر دوره صفوی بر همان نقشی که پنجره در عالم واقع معماری صفوی دارد نیز به خوبی واقف است و از آن بهره می‌برد؛ تاجایی که سبک نگارگری دوره صفوی را از دوره‌های پیشین متمایز می‌سازد. همان‌طور که در معماری دوره صفوی پنجره عامل اتصال درون و بیرون است، در نگاره‌ها نیز اهمیت ویژه‌ای دارد؛ چنان‌که به عنوان عنصری که واسط دیدن و دیده شدن است، نسبت به دیگر اجزای بنا جایگاه قابل توجهی پیدا می‌کند. «خزایی» با استناد به این امر معتقد است «نگارگر صفوی برای به تصویر کشیدن شخصیت‌ها تنها به محوطه باز عمارت اکتفا نکرده، پا را فراتر گذاشته و به شیوه‌ای هنرمندانه از پنجره‌های گشوده شده برای جای‌گذاری شخصیت‌های فرعی خود استفاده کرده است. شخصیت‌های داخل بنا، درها و پنجره‌ها را گشوده‌اند و نظاره‌گر اتفاقات درون محوطه هستند. از طرف دیگر پنجره به عنوان فصل مشترک فضای درون و

موجبات تعامل انسان به ویژه بانوان را با محیط بیرون فراهم می‌سازد. از این رو با توجه به زمینه اعتقادی-فرهنگی جامعه راهکارهایی برای دستیابی به اهداف نامبرده اندیشیده می‌شود. به عبارت دیگر در دوره صفوی نه تنها منع بانوان از شرکت در مراسم جشن‌ها، ضیافت‌ها، میهمانی‌ها و بازی‌های خصوصی منجر به ممنوعیت مشاهده آنها نشد، بلکه معماران با به کار بستن تمهیداتی امکان نظاره‌گری بدون خدشه‌دار کردن مسایل اعتقادی و فرهنگی را فراهم می‌ساختند؛ به طوری که در بیشتر خانه‌های صفوی اصفهان اتاق‌های ثانوی زیادی در طبقه دوم بخش‌های تابستانی و زمستانی در یک طرف و یا دوطرف فضا وجود داشتند که به وسیله شبکه‌ای از فضای اصلی جدا می‌شوند. «وافی» معتقد است احتمالاً این اتاق‌های کوچک با ایده مشاهده کردن بدون دیده شدن ساخته شده‌اند. در این موارد نقش شبکه‌ها به قدری زیبا و پرتراکم بود که به خوبی رعایت موضوع محرمیت را انجام می‌دادند. در فرهنگ معماری صفوی شبکه به عنوان یک پرده به نقش‌های غنی می‌رسد و تکامل پیدا می‌کند و به یک پدیده تزیینی با کاربرد فرهنگی تبدیل می‌شود (وافی، ۱۳۸۱: ۱۳۷ و ۱۳۹).

این شبکه‌ها به عنوان یک پرده در مقابل گرما، نور آفتاب و تلطیف فضای درونی و همچنین برای حفظ حریم خانه و فراهم کردن دید از داخل به خارج عملکرد داشته‌اند. «نعمت‌گرگانی» بر این باور

پنجره‌ها و تراس جای‌گذاری می‌شوند. این نوع نگاه بر کارکرد دوجبه پنجره نزد معمار و نگارگر صفوی تأکید دارد. با توجه به تعریف منظر به عنوان پدیده‌ای که به واسطه تعامل و درک انسان با محیط به وجود می‌آید (منصوری، ۱۳۸۹) می‌توان گفت در دوران صفوی پنجره به عنوان واسط فضایی که باعث درک انسان از محیط می‌شود، می‌تواند عنصری منظرین تلقی شود. در اینجا می‌توان از تعریف «فلامکی» در خصوص پنجره نزد ایرانیان وام گرفت که از یک سو دریچه‌ای است که

بیرون موجب برقراری ارتباطی هماهنگ میان شخصیت‌های اصلی و فرعی می‌شود؛ به گونه‌ای که شخصیت‌های فرعی داستان، همانند شخصیت‌های اصلی در بطن ماجرای نگاره قرار گرفته و این ارتباط باعث شکسته شدن سکوت بنا شده است و تمام اجزا درگیر ماجرا می‌شوند. همین امر بر پویایی نگاره‌های دوره صفوی نسبت به دوره تیموری افزوده است («خزایی، ۱۳۹۰: ۴۷). در دوره صفوی برخلاف دوره‌های پیشین، شخصیت‌ها به صورت پراکنده و در پشت

با استناد به نگاره‌های دوره صفوی می‌توان گفت زیبایی‌شناسی پنجره در دوره صفوی از زیبایی‌شناسی منظرین تبعیت می‌کرده است. به عبارت دیگر سنت زیبایی‌شناسی ایرانی-اسلامی معماری آن دوره، سنتی منظرین بوده و به‌کارگیری هم‌زمان سه مؤلفه زیبایی‌ساز عملکرد، هویت و زیبایی مؤید این مطلب است.

### هویت

با توجه به نمادهای جامعه و عناصر هویت‌ساز می‌توان دریافت فرهنگ ایرانی-اسلامی برپایه محرمیت و دارابودن سلسله‌مراتب شکل گرفته است. «سیفیان» و «محمودی» در مقاله خود تحت عنوان «محرمیت در معماری سنتی ایران» اصل محرمیت را یکی از مهم‌ترین اصول در معماری سنتی ایران به ویژه پس از اسلام می‌دانند که ریشه در نگرش او به جهان هستی دارد. همچنین مراد از محرمیت در فضای معماری و شهرسازی را کالبد دادن به فضا به گونه‌ای می‌دانند که دارای حریم از دو جنبه فیزیکی و معنایی باشد. در واقع فضایی را می‌توان فضای محرم دانست که از نظر کالبدی برای استفاده‌کننده دارای حریم، مصونیت و امنیت باشد و کیفیات فضایی آن به گونه‌ای باشد که آرامش و آسایش خود را تأمین کند. اصل سلسله‌مراتب به عنوان یکی از اصول اساسی حاکم بر هستی‌بیشترین تأثیرات را در شکل‌گیری محرمیت در کالبد معماری و شهرسازی ایران داراست. محرمیت یکی از مهم‌ترین تجلیات کالبدی رعایت سلسله‌مراتب در عمارات و شهرهای دوره اسلامی است (نک. به سیفیان و محمودی، ۱۳۸۶).

در معماری دوره صفوی استفاده از عنصری معمارانه همچون پنجره‌های مشبک با این ایده رعایت می‌شود که علاوه بر توجه به اصل محرمیت، بانوان در جریان رخدادها، مراسم و جشن‌ها

فضای سرپوشیده بنا را به فضای بیرون مرتبط می‌کند و از سوی دیگر نقطه دیدی است که هر یک از آدمیان برای اندیشیدن، نظاره‌کردن، به سنجش بردن و ارزیابی رویدادهای گونه‌گونی که در بیرون روی می‌دهند از آن استفاده می‌کنند (فلامکی، ۱۳۹۲). «پنجره فقط وسیله‌ای برای ورود نور روز به داخل نیست؛ بلکه «چشم خانه» است که به ما اجازه می‌دهد جهان خارج را مشاهده کنیم» (اگنتر، ۱۳۸۴: ۳۵).

بنابراین پنجره در دوران صفوی یک عنصر معماری صرف نبوده که تنها وجه نوررسانی آن مدنظر باشد، بلکه با فراهم‌ساختن زمینه‌ای برای تعامل انسان با محیط بیرون می‌تواند به عنوان یک عنصر منظرین در نظر گرفته شود.

### اهداف زیبایی‌شناسانه پنجره در نگارگری

در این قسمت قصد داریم ثابت کنیم پنجره نیز به عنوان یک عنصر منظرین همچون پدیده‌های منظرین در زمینه منظر شهری در آن واحد، سه هدف فرهنگی، کارکردی و زیبایی‌شناسانه را دنبال می‌کنند. در حقیقت این مقاله بر این ادعاست که پنجره تنها در وهله اول به عنوان یک عنصر معماری در نگاره‌های دوره صفوی به نظر می‌رسد، اما با دقت در آنها متوجه می‌شویم غیر از وجه عملکردی که مختص سازه‌های معماری است، از دو وجه دیگر زیبایی (در معنای سنتی آن) و هویتی برخوردار است:

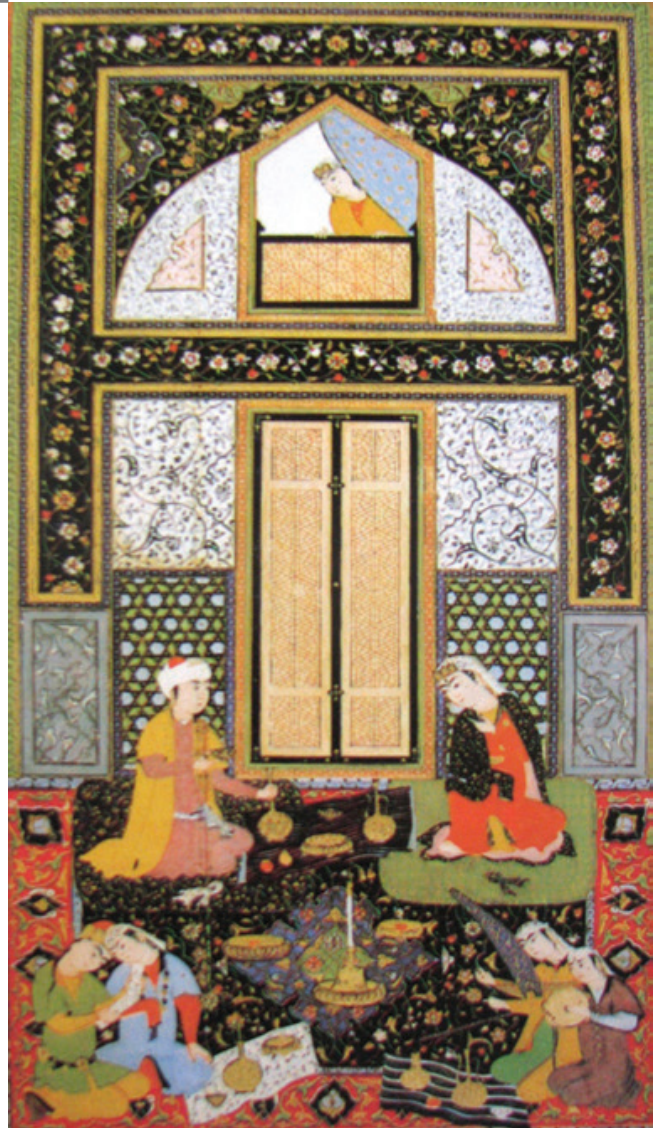


تصویر ۳  
Pic3

تصویر ۳. حضور بانویی در پشت پنجره نشان از مشارکت او در بزم با رعایت اصول اعتقادی و فرهنگی دارد. شاهزاده صفوی و بزم در باغ، دیوان حافظ، ۹۴۲ ه. ق. مجموعه کارتیبه. مأخذ: پوپ، ۱۳۶۹: ۱۷۰.

Pic3. The lady in the back of window implies her participation in the celebration in compliance with the religious and cultural believes. Safavid princes feast in the garden, Hafez, 942 AD. Cartier collection. Source: Pope, 170:1990.





تصویر ۴. نگارگر با سفید کردن داخل پنجره بر نقش عملکردی آن، که همان تأمین نور بناست تأکید می‌کند. مجلس مصاحبه. صحنه‌ای از نسخه مصور هفت منظر، منظومه هاتفی، ۹۴۵ ه. ق. واشنگتن، نگارخانه فریر. مأخذ: کورکیان و سیکر، ۱۳۷۷: ۱۳۴.

Pic4. The painter artist by whitening the inside of the window insists the importance of its function that is supplying the light of the building. The chamber of interview. Illustrated version of a scene from seven perspectives (Haft Manzar), The Manzomeh Hatefi, 945 AD. Washington, Freer Gallery. Source: Kurkyan and Siker, 134:1998.

تبعیت می‌کند (نک. به گراهام، ۱۳۸۵)، قطعاً در اولین وهله وجه عملکردی پنجره نیز به عنوان عنصری معمارانه مدنظر بوده و غیر قابل اجتناب است. منصوری نیز تعریف زیبایی را در فرهنگ ایرانی-اسلامی یک مفهوم کمالی می‌داند و اقدام زیبایی‌شناسانه را ترکیبی از اقدامات هویت‌بخش و مفید می‌داند (منصوری، ۱۳۸۹: ۱۲).

با توجه به تعاریف پنجره که در مقدمه بدان‌ها اشاره شد می‌توان گفت عنصری است که از یک سو نقش تأمین نور بنا و از سوی دیگر موجبات رؤیت مناظر بیرون بدون برهم‌زدن خلوت اهل خانه را برعهده دارد. بنابراین یک ضلع از مثلث زیبایی‌شناسی عصر سنت که همان کارکرد است به خاطر ارتباط عنصر پنجره با معماری به خودی خود تأمین می‌شود. «پنجره معمولاً برای دادن نور، جریان هوا و رؤیت مناظر بیرون بدون برهم‌زدن خلوت اهل خانه است» (نعمت‌گرگانی، ۱۳۸۱: ۳۱۹). «در عصر سنت، زیبایی یک امر صوری نبوده، بلکه به همراه امر قدسی یا خیر، فایده و کاربرد و تناسب صورت، یک مجموعه واحد را شکل می‌داده است. در واقع یک شیء زیبا نزد ایرانی گذشته، صرفاً ظاهری آراسته و شکیل نداشته، بلکه شیئی کاربردی بوده و در عین حال نشانه‌هایی از قداست را در خود داشته است. اما انسان مدرن این نگاه را دگرگون کرد؛ سودمندی و امر قدسی را از شیء جدا کرد و محصولی آفرید که تنها به عنوان مصداق زیبایی، قابل آرایه است» (منصوری، ۱۳۸۹: ۱۲). «هنر سنتی به عمیق‌ترین معنای کلمه عملی (=کارکردی) است یعنی برای کاربردی معین خلق شده است. در هنر سنتی، آمیزه‌ای از زیبایی و فایده وجود دارد که هر موضوع هنر سنتی را به چیزی که در آن واحد زیبا و سودمند است، مبدل می‌سازد» (نصر به نقل از خزایی و موسوی حجازی، ۱۳۹۱: ۷).

قرار بگیرند، بدون آنکه آسایش و امنیت آنها برهم بریزد و نگاه غیر بر آنها بیفتد. در اینجا لازم است بار دیگر در تعریف واژه پنجره قدری تأمل کرد؛ آنجاکه به شبک بودن آن اشاره می‌شود. به نقل از «نعمت‌گرگانی» این ویژگی می‌تواند به وضعیت اقلیمی سرزمین ایران و فرهنگ برگرفته از آن برگردد: هوای متغیر ایران و عقاید خاص ملی و مذهبی ایجاب می‌کرده ساختمان علاوه بر در و پنجره، پرده‌ای یا شبکی برای حفاظت درون بنا داشته باشد. این شبکه‌ها شدت نور را گرفته و نور ضعیف‌تری از لایه‌لای آن ایجاد می‌شود. علاوه بر این، علی‌رغم آنکه تمام فضای بیرون از داخل به راحتی قابل رؤیت بود، از بیرون هیچ‌گونه دیدی در طول روز به داخل نداشت (نعمت‌گرگانی، ۱۳۸۱: ۳۱۹).

همین اتفاق در نگاره‌های این دوره دیده می‌شود. این نکته قابل تأمل است که به نظر می‌رسد حضور بانوان در پشت پنجره‌ها نمی‌تواند بر دست دوم و فرعی بودن آنها دلالت کند، بلکه ریشه در اعتقادات ایرانی-اسلامی این سرزمین دارد. چنانکه در نگاره «مستی شبانه» و «شیدازدگی شیخ صنعان» بانوان پشت پنجره از اتفاقات بیرونی باخبر می‌شوند بدون آنکه نگاه دیگران بر آنها بیفتد. حضور پرده در نگاره شیخ صنعان نیز قابل توجه است که مختص معماری صفوی بوده و نگارگر به آن توجه داشته است. همچنین در نگاره «شاهزاده صفوی» و «بزم در باغ» حضور بانویی در پشت پنجره نشان از شرکت بانوان در مراسم و جشن‌ها با رعایت اصول اعتقادی و فرهنگی نام‌برده دارد (تصاویر ۱ تا ۳).

### عملکرد

همان‌طور که زیبایی‌شناسی معماری به مثابه هنر از یک زیبایی‌شناسی سودمند

عین هنر است. پیرنیا در مورد تزئین می‌گوید: فلسفه تزئین در هنر ایران، ایجاد زیبایی و بهره‌وری است» (جوادی، ۱۳۸۴: ۵۴). تأمل در نگاره‌های ایرانی نیز زیبایی‌شناسی خاصی را که مبتنی بر سلیقه تزئین‌گرای مردم ایران است به اثبات می‌رساند. به طور کلی زیبایی‌شناسی هنر ایران بر اصل تزئین استوار است (نک. جوادی، ۱۳۸۴). شبکه‌های پنجره که از دوره صفوی متداول شدند نقش مهمی در بناهای این دوره ایفا می‌کنند. «وافی» معتقد است شبکه‌ها علاوه بر تنظیم نور و دید، نقش تزئین به صورت‌های مختلف را دارند که مهم‌ترین آنها نقوش هندسی است. پنجره در دوره صفوی از یک عنصر صرف معماری به یک پدیده تزئینی تبدیل می‌شود که ریشه در گرایش‌های عموم به فرهنگ اسلامی و اعتقادات دارد (وافی، ۱۳۸۱: ۱۲۱). با توجه به زیبایی‌شناسی ایرانی، اسلامی که بر برنهاد تزئین است در نگاره‌های دوره صفوی نیز شاهد غنای تزئینات پنجره‌ها هستیم که اغلب با نقوش هندسی و رنگ‌های متناسب با کل نگاره رنگ آمیزی می‌شوند. به عبارت دیگر نگارگر علاوه بر ملحوظ کردن دو وجه هویتی و عملکردی برای پنجره با تزئین آن، سه وجه زیباسازی پنجره را تکمیل می‌سازد (نک. تصاویر ۱ تا ۵).

همچون اهداف منظرین توأمان دنبال می‌کند. نگارگر وجه عملکردی پنجره را با رنگ سفید فضای داخل پنجره به معنای نوررسانی و جای‌گذاری شخصیت‌ها در قاب پنجره جهت تعامل با محیط نشان می‌دهد. اصل حریمیت و سلسله‌مراتب به عنوان مقوله‌ای اعتقادی، فرهنگی در سرزمین ایران با عنصر پنجره و شبکه‌ها و پرده‌هایش که در دوره صفوی معمول بوده، در نگاره‌ها نیز رعایت می‌شود. به طوری که اکثر بانوان در نگاره‌ها در راستای تأمین آسایش و امنیت و در عین حال مشارکت در مراسم و رویدادها در پشت قاب پنجره‌ها به تصویر کشیده شده‌اند. وجه زیبایی‌شناختی پنجره نیز با تزئین که از اصول مهم زیبایی‌سازی هنرهای سنتی به ویژه نگارگری است تأمین می‌شود؛ تزئینات به ویژه تزئینات هندسی قاب‌های پنجره در نگاره بر اهمیت آن نزد نگارگر دلالت می‌کند.

در نگاره‌های دوره صفوی نیز با اینکه کل نگاره روشن است و کارکرد پنجره را به عنوان عامل نوررسان کم‌اهمیت می‌سازد، اما نگارگر با سفیدکردن داخل پنجره بر نقش عملکردی آن، که همان تأمین نور بناست تأکید می‌کند. «داخل چنین مکان‌هایی به رنگ سفید است تا علاوه بر ایجاد نقاط تأکیدی که نگاره را به داخل این فضاها جلب می‌کند، سبب وضوح بشود» (گودرزی و کشاورز، ۱۳۸۶: ۹۵)؛ (تصویر ۴). علاوه بر این نگارگر در نگاره‌هایی با موضوعات رویدادمحور که نیازمند اطلاع دیگر افراد از آن است شخصیت‌ها را در پشت پنجره‌ها جای‌گذاری می‌کند و موجبات تعامل آنها را فراهم می‌سازد. بنابراین نگارگر دوره صفوی هر دو نقش عملکردی پنجره را لحاظ می‌کند (تصویر ۵).

## زیبایی

زیبایی هدف دیگری است که منطبق با فطرت زیبایی دوستی انسان دنبال می‌شود. «در هنرهای قدیم [هنرهای سنتی] که به هنرهای تزئینی، کاربردی مشهور است، تزئین

نتیجه‌گیری | پنجره یکی از عناصر مهم معماری ایرانی، اسلامی است که در طول تاریخ سکونت همواره انواع گوناگون با کارکردها و نام‌های متفاوت داشته است. عملکرد پنجره در معماری ایرانی به ویژه پس از اسلام و دوره صفوی، از وجه کالبدی صرف که نقش تأمین نور و تهویه هوا را برعهده داشت فراتر رفته است و به عنوان واسط فضایی محیط درون و بیرون، موجبات تعامل انسان با محیط را فراهم می‌سازد. اینجاست که پنجره از یک عنصر معماری صرف تبدیل به یک عنصر منظرین می‌شود.

با مرور جایگاه عنصر پنجره در نگارگری دوره صفوی متوجه می‌شویم زبان و بیان آن در نگارگری دوره صفوی به عنوان یک هنر سنتی نیز از زبان و بیان منظرین تبعیت می‌کند. به این معنا که زیبایی‌شناسی آن سه هدف عملکردی، زیبایی و هویتی را

## فهرست منابع

- آگنتر، نولد. (۱۳۸۴). مفهوم انسان‌شناسانه فضا: نظریه اتو فردریش بالنو در باب مفهوم انسان‌شناختی فضا. ترجمه: مونا کعبیان. مجله باغ نظر، ۲ (۴): ۴۱-۲۴.
- پوپ، آرتور. (۱۳۶۹). آشنایی با مینیاتورهای ایران. ترجمه: حسین نیر. تهران: مرکز نشر کتاب‌های طراحی و نقاشی در ایران.
- جوادی، شهره. (۱۳۸۴). تزئین، عنصر اصلی در زیبایی‌شناسی هنر ایران. مجله باغ نظر، ۲ (۳): ۵۷-۵۱.
- خزایی، محمد و موسوی حجازی، بهار. (۱۳۹۱). زبان و بیان در هنر فلزکاری ایران، دوره اسلامی تا حمله مغول. مجله کتاب ماه هنر، (۱۶۵): ۱۷-۴.
- خزایی، میثم. (۱۳۹۰). پنجره به مثابه نگارگر در نگارگری ایرانی (دوره تیموری و صفوی). پایان‌نامه کارشناسی ارشد نقاشی. دانشگاه هنر تهران.
- دانشنامه رشد ذیل ورجمکرد، قابل دسترس در: <http://www.loghatnaameh.org/dehkhoda> - لغت‌نامه دهخدا ذیل واژه پنجره، قابل دسترس در: <http://www.loghatnaameh.org/dehkhoda> - worddetail-0eadd2b56e154ba3956f4bb9dabd8d79-fa.html (تاریخ مراجعه: ۱۳۹۳/۶/۱۵)
- منصوری، سیدامیر. (۱۳۸۹). زیبایی‌شناسی ایرانی، مجموعه مقالات همایش زیباسازی و منظر شهری، تهران، فرهنگی، سوسن. (بی‌تا). مدخل پنجره از کتاب دانشنامه جهان اسلام، ج ۱. قابل دسترس در: <http://lib.eshia.ir/23019/1/2829> (تاریخ مراجعه: ۱۳۹۳/۶/۱۵)
- نعمت‌گرگانی، ام‌البنین. (۱۳۸۱). پیشینه نور در معماری و وسایل روشنایی در هنر اسلامی ایران. مجله اثر، (۳۵): ۳۲۳-۳۱۶.
- وافی، محمدحسین. (۱۳۸۱). پنجره در معماری مسکونی دوره صفوی اصفهان، فصلنامه هنر، (۵۲): ۱۴۳-۱۱۹.
- آگنتر، نولد. (۱۳۸۴). مفهوم انسان‌شناسانه فضا: نظریه اتو فردریش بالنو در باب مفهوم انسان‌شناختی فضا. ترجمه: مونا کعبیان. مجله باغ نظر، ۲ (۴): ۴۱-۲۴.
- پوپ، آرتور. (۱۳۶۹). آشنایی با مینیاتورهای ایران. ترجمه: حسین نیر. تهران: مرکز نشر کتاب‌های طراحی و نقاشی در ایران.
- جوادی، شهره. (۱۳۸۴). تزئین، عنصر اصلی در زیبایی‌شناسی هنر ایران. مجله باغ نظر، ۲ (۳): ۵۷-۵۱.
- خزایی، محمد و موسوی حجازی، بهار. (۱۳۹۱). زبان و بیان در هنر فلزکاری ایران، دوره اسلامی تا حمله مغول. مجله کتاب ماه هنر، (۱۶۵): ۱۷-۴.
- خزایی، میثم. (۱۳۹۰). پنجره به مثابه نگارگر در نگارگری ایرانی (دوره تیموری و صفوی). پایان‌نامه کارشناسی ارشد نقاشی. دانشگاه هنر تهران.
- دانشنامه رشد ذیل ورجمکرد، قابل دسترس در: <http://www.loghatnaameh.org/dehkhoda> - لغت‌نامه دهخدا ذیل واژه پنجره، قابل دسترس در: <http://www.loghatnaameh.org/dehkhoda> - worddetail-0eadd2b56e154ba3956f4bb9dabd8d79-fa.html (تاریخ مراجعه: ۱۳۹۳/۶/۱۵)
- منصوری، سیدامیر. (۱۳۸۹). زیبایی‌شناسی ایرانی، مجموعه مقالات همایش زیباسازی و منظر شهری، تهران، فرهنگی، سوسن. (بی‌تا). مدخل پنجره از کتاب دانشنامه جهان اسلام، ج ۱. قابل دسترس در: <http://lib.eshia.ir/23019/1/2829> (تاریخ مراجعه: ۱۳۹۳/۶/۱۵)
- نعمت‌گرگانی، ام‌البنین. (۱۳۸۱). پیشینه نور در معماری و وسایل روشنایی در هنر اسلامی ایران. مجله اثر، (۳۵): ۳۲۳-۳۱۶.
- وافی، محمدحسین. (۱۳۸۱). پنجره در معماری مسکونی دوره صفوی اصفهان، فصلنامه هنر، (۵۲): ۱۴۳-۱۱۹.



تصویر ۵. جای‌گذاری شخصیت‌ها در پشت پنجره جهت آگاه‌ساختن افراد از وقوع یک رخداد. افشاگری در مسجد، مینیاتور برای دیوان حافظ، ۹۳۴ ه. ق. مجموعه خصوصی. مأخذ: کورکیان و سیکر، ۱۳۷۷: ۱۰۲.

Pic5. The emplacement of characters on the back of the window notifying the people of occurrence an event. Denouncing in the mosque, miniature for Hafez Divan, 934 AD. Private collection. Source: Kurkian and Siker, 102:1998.



تصویر ۵  
Pic5

## Reference list

- Egenter, N. (2006). Otto Friedrich Bollnow's Anthropological Concept of Space. Translated from the English to Persian: Mona Kabian. *Journal of BAGH-I-NAZAR*, 2(4): 24-41.
- Falamaki, M. (2013). *Zibae va zibae shahri* [Beauty and the beauty of the city]. Booklet National Conference of urban beautification elements. Shiraz: Town Planning Department, Shiraz: 1-6.
- Farhangi, S. (n.d.). *Madkhal-e panjere az kitab-e daneshname-ye jahan-e eslam* [Entrance window of Encyclopedia of the Islamic World], Vol 1. Available from: <http://lib.eshia.ir/23019/1/2829> (Accessed 2014/9/6).
- Farokhpayam, A. & Ayatollahi, H. (2008). Zaman, faza va peyvand-e noor va rang ba in mafahim dar negaresh-e Iran-e zartoshti, manavi va eslam [Time, space and light and color associated with these concepts in view of Zoroastrianism, Manichaeism, and Islam and their reflection in miniature]. *Journal of Negareh*, (8, 9): 4-17.
- Goudarzi, M. & Keshavarz, G. (2007). Barresi-ye mafhum-e zaman va makan dar negargari-ye Irani [Check the time and place of the Persian Painting], *Painting. Journal of Honar-ha-ye Ziba*, (31): 89-101.
- Javadi, Sh. (2005). Decoration, the main element in Iranian aesthetics. *Journal of BAGH-I-NAZAR*, 2(3): 51-57.
- Kevorkian, A. & Sicre, J. (1998). *Les jardins du desir: sept siecles de peinture persane*. Translated from the French to Persian: Parviz Marzban. Tehran: Farzan-e Rouz.
- Khazaie, M. & Mousavi Hejazi, B. (2012). Zaban va bayan dar honar-e felezkari-ye Iran, dore-ye eslami ta hamle-ye moghol [Speech in the art of metalworking of Iran, Islamic and Mogul invasion]. *Journal of Ketabe mahe honar*, (165): 4-17.
- Khazaie, M. (2011). *Panjereh be masabe-ye nazargah dar negargari-ye irani* [window as viewpoint in the Persian Painting, Timurid and Safavid era]. Unpublished Master Dissertation in Paintings. Tehran: University of Tehran.
- Mansouri, S.A. (2010). *Iranian aesthetics*. Conference proceedings of the beautification and urban landscape Conducted by the Tehran Beautification Organization. Tehran.
- Nematgorgani, O. (2002). Pishine-ye noor dar memari va vasayel-e roshanae dar honar-e eslami-ye Iran [history of Light in architecture and lighting tools in Islamic Art of Iran]. *Journal of Asar*, (35): 316-323.
- Panjere [Window]. (n.d.). Available from: <http://www.loghatnaameh.org/dekhodaworddetail-0eedd2b56e154ba3956f4bb9dabd8d79-fa.html> (Accessed 2014/9/6).
- Pope, A. U. (1990). *An Introduction to Persian Art since the 7th Century A.D.* Translated from the English to Persian: Hossein Nayyer. Tehran: Publication center of drawing and painting books in Iran.
- Seyfian, M. & Mahmudi, M. (2007). Mahramiat dar memari-ye sonati-ye Iran [The privacy of traditional architecture in Iran]. *Journal of Hoviatehshahr*, 1(1): 3-14.
- Soltanzadeh, H. (2008). *Urban & Architectural spaces in Iranian painting*. Tehran: Chahartagh publication.
- Vafi, M. (2002). Panjere dar memari-ye maskouni-ye dore-ye safaviye-ye Esfahan [Windows in residential architecture of the Safavid era in Isfahan]. *Journal of Faslname-ye Honar*, (52): 119-143.
- Varjamkard. (n.d.). Available from: <http://daneshnameh.roshd.ir/mavara/mavara-index.php/en.wikipedia.org/wiki/mavara-index.php?page=%d9%88%d8%b1%d8%ac%d9%85%da%a9%d8%b1%d8%af&SSOReturnPage=Check&Rand=0> (Accessed 2014/9/6).

# Window Aesthetics in Safavid Miniature

## Window, the Original Element of Landscape

Fatemeh Kateb, Ph.D in Architecture, Faculty member in Alzahra University  
 Padideh Adelvand, Ph.D Candidate in Art Research, Faculty member of NAZAR research centre  
 padideh.adelvand@yahoo.com

**Abstract** | Miniature is one of the traditional arts which follow the features of its own speech. Many researchers from one hand with different perspectives often followed by traditionalism and mystical approaches, study the ultra facts of this art and on the other hand, other researchers due to the lack of artifacts remained by the past eras in various fields such as architecture, gardening, urbanism, art and culture have turned to this art and realized the stylistic features of each of these areas by reading them out.

Based on the literature and architecture history of Iran, “window”, as a functional element has had a strong presence from the beginning of “residence” in the ancient Islamic architecture, as it has been responsible for the lighting and ventilation of air to the inside of the buildings.

During the Safavid era, window as a webbed mesh item provides a way of seeing without being seen.

This new item allowed the women of the Safavid period, to participate in ceremonies and have their own observation without impairing their privacy and composure despite the prohibition of their direct participation in the ceremonies, festivals and other events that, was well consistent with the principles of confidentiality of Iranian culture. By reading through the painting artworks of Safavid era as the turning point of the miniature painting of Iran, window is beyond a mere physical element that is responsible simply for lighting task, hereupon due to the presence of human interaction with the environment, it is converted to an landscape element; accordingly the artist painter, exploit

intelligently the window for emplacement of characters and a way of interact between the indoor and outdoor environment.

This article upon the presuming of “window” as a landscape element, claims that its aesthetic aspect is also pursue three goals of “function”, “aesthetic” and “identity” in addition to the landscape objectives. The miniature painter illustrates the functional aspect of window by using the white color for interior space of it to convey lighting concept and also through emplacement of the characters inside the framework manifests the interaction with the environment.

The principle of confidentiality and hierarchies as a matter of culture and faith in land of Iran, with the element of window and its lattice design and curtains which were common in the Safavid period, are also observed in the painting miniatures; for that reason, the majority of women in the painting artworks are portrayed in the window frame in line with the concept of providing comfort and safety for them while participating in ceremonies and events.

The aesthetic aspect of window is fulfilled through decoration, which the principles of traditional arts especially miniature painting; decoration especially the geometric ones in window frames implies the importance of it to the painter. According to the miniature painting of Safavid era, it can be said that the picturesque of window in this era was quite comply with the landscape-oriented aesthetic aspects. In other words, the tradition of Iranian-Islamic architecture of this era has been a landscape based convention that employing of the three elements of beautification including function, identity and aesthetic confirms the claim.

**Keywords** | Window, Miniature Painting, Safavid Era, Landscape, Function, Identity, Aesthetic.